



ما را از سر بریده نترسانید...

دکتر سعید ماسوری

سعید ماسوری زندانی سیاسی محبوس در زندان گوهردشت و از همبندیان سابق فرزاد کمانگر، علی حیدریان و فرهاد وکیلی با نگارش نامه‌یی از زندان رجایی شهر یاد یاران جانباخته را گرامی داشت. متن منتشره نامه را ذیلا ملاحظه می‌کنید:

در اوضاع به شدت بحرانی کشور، خبر اعدام دوستان دیر یافته‌ام را که در زندان آشنا شده و سالها را با آنها در سلولهای ۲۰۹ گذرانده بودم را شنیدم. شاید تصور می‌کنند که با اعدام آنها ما و مردمانمان را مرعوب و وحشت‌زده کرده‌اند. ای وای بر ما اگر اعدام دوستان و هموطنانمان به‌جای انگیزش بیشتر ما را مرعوب سازد...

راستی در شرایطی که تنها برای انسان بودن راهی جز تحمل زندان و شکنجه و اعدام باقی نگذاشته‌اند و سزای یک قطره آزادگی و انسانیت، زندان شلاق و اعدام است چه باید کرد؟ و کسانی که بر سر چنین جنایتی سکوت می‌کنند مرز انسان بودن و نبودن را در کجا ترسیم می‌کنند؟ هیتلر صدها هزار کشته و مجروح بر جای گذاشته بود که تازه آنهایی که می‌بایستی بفهمند متوجه شدند که هیتلر «آقا!» نیست و مذاکره بی‌فایده آیا باز هم همان قدر هزینه لازم است؟ به هر حال من به سهم خودم برای اینکه بگویم چقدر مرعوب این اعدامها شده‌ام آماده‌ام که بعد از این ۵ نفر، ششم! و آماده اعدام بشوم.

یاد همه آنها و کسانی که این‌چنین خونشان در رگهای تاریخ جاری شد گرامی باد...

ز پا ننشست آتش تا نشد خاکستر اجزایش به سعی زیستن هم، غیرت کار این چنین باید

دکتر سعید ماسوری (زندانی گوهردشت)

اردیبهشت ۱۳۸۹